

# روایت مجموعه‌دار پختن از اشیای خاص کلکسیون‌اش پشت سر زندگی، تاریخ است

دستگاهی دارم که قدیم‌ها در روستاها و گاهی شهرها وجود داشت که با آن حوله می‌بافتند و از سقف آویزان می‌شده و بافتدگانی حرفه‌ای داشته است. متأسفانه دیگر از این اشیای حتی در روستاها هم پیدا نمی‌شود و اگر بشود، نادر است.

در کنار این‌ها که گفتم، هزاران شیء دیگر هم جمع‌آوری کرده‌ام.

## «هدف از جمع‌آوری اشیاء»

مهم‌ترین هدفم، لذت شخصی است. هر کسی کاری را دوست دارد و من هم به این کار علاقه دارم. دوست دارم مهمانانم وقتی به خانه‌ام می‌آیند، خاطره‌ای خوب برایشان ماندگار شود. می‌دانم که این کار در بخش حفظ هویت قدیمی، موثر است. حمایت دولتی نمی‌شوم. گاهی خانواده‌هایی که برای بازدید از کارهایم می‌آیند، از من حمایت معنوی می‌کنند و بزرگ‌ترهایشان برای زنده نگاه داشتن زندگی قدیمی و اشیای متفاوتش، به من آفرین و مرحبا می‌گویند.

## «کنج‌یاب ندارم»

من دستگاه کنج‌یاب ندارم و دوروبر چنین کارهایی هم نمی‌روم. کنج واقعی در همین اطراف ماست. در وسایلی که گاهی مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند و چون به نظر صاحبانشان باسبک زندگی امروزی هم‌سو نیست، در انبارها خاک می‌خورند و حتی به‌باز یافتی هاداده می‌شوند.

## «قانون چه می‌گوید؟»

تاجایی که می‌دانم، نگهداری اشیایی که متعلق به قبل از دوره صفویه است، ممنوع دانسته شده است. من چنین وسایلی ندارم. دقت هم می‌کنم که گرفتار این بخش نشوم. خیلی دلم‌خواهد، به‌موزه‌ها می‌روم و آن‌ها را می‌بینم و اتفاقاً با دیدن اشیای موزه‌ای سوادم در این بخش کامل‌تر شده است و می‌توانم سیر تحول وسایل زندگی از

## «۲۰ قدم همراه مرد»

متولد ۵۹ هستم در مشهد. تاسیكل خوانده‌ام. پیش‌ترهای خچال‌ساز بودم. دیسک کمر گرفتم و دیگر نتوانستم در آن بخش کار کنم و برگشتم به علاقه قدیمی‌ام یعنی جمع‌آوری اشیای قدیمی. زندگی‌ام را با کارهای حاشیه‌ای اداره می‌کنم.

من نه عتیقه‌باز، نه عتیقه‌دار و نه عتیقه‌فروش هستم، فقط آرشیوو مجموعه‌ای را جمع‌آوری کردم که محور هرکدامش، ذوق شخصی بوده است و تاریخ ساخت و تولید عموم اشیای این مجموعه به دهه‌ها قبل برمی‌گردد. زمانی که هیچ چیز به شکل امروز نبود. می‌توان اشیایی در بازه ۴۰ تا ۱۰۰ سال قبل را در این مجموعه مشاهده کرد.

## «تقسیم‌بندی اشیاء»

این مجموعه شامل اشیای مختلفی است: اعم از وسایلی که در روستا کاربرد داشته است تا اشیای زینتی و مجموعه‌های مختلف شخصی مثل ابزارهایی که در اول ورود مدرنیته به کشورمان آمد مانند تلویزیون‌های قدیمی که اگر بخواهم آن‌ها را تقسیم‌بندی کنم، باید بگویم این کار به سختی انجام می‌شود. ما اینجا حتی لوازم آشپزخانه داریم و لوازم مصرفی داخل خانه. در بخش کشاورزی، چهارشاخ داریم. خرمن‌کوبی چوبی هم دارم که حیوانی قوی را به آن می‌بستند و در مزرعه‌راه می‌بردند تا در فرایند کشاورزی کمک‌رسان کشاورزان باشند. در همین ردیف، بذریاش دستی و سم‌پاش دستی هم دارم که متعلق به حدود ۱۰۰ سال قبل است.

لوازم قدیمی بقالی هم در بساطم پیدا می‌شود. در این بخش، لوازمی که در مغازه‌های قدیمی برای وزن کردن کالاها به کار برده می‌شد، مانند انواع ترازو (سقفی و پله‌ای) و قپان وجود دارد. اشیایی هم که در خانه‌ها و آشپزخانه‌ها کاربرد داشته است مانند دبه‌های قدیمی روغن و هاون سنگی و برنجی، آفتابه و لگن و حتی چراغ‌های لامپا و سه‌فیتیله هم در مجموعه‌ام دیده می‌شود. چینی جات قدیمی هم دارم که بعضی از آن‌ها جنبه تزئینی دارند و بعضی کاربردی بوده است. تلویزیون‌های قدیمی متعلق به حدود ۷۰ سال قبل و صندلی سینما هم دارم. احتمالاً متعلق به سینمایی در خیابان ارگ مشهد بوده است که دیگر وجود خارجی ندارد و به‌صورت اتفاقی در یک نجاری، آن را پیدا کردم و خریدم.

پرده‌ای دست‌دوز هم دارم که با کاموا و پشم دوخته شده و شعری در مدح امام هشتم (ع) روی آن نوشته شده است.

مغربی - آنچه حسین حسین‌پور به گردآوری آن مشغول بوده است، نمی‌توان عتیقه یا زیرخاکی نامید، بلکه او را می‌توان صاحب مجموعه‌ای (کلکسیونری) از اشیایی دانست که در زندگی دوسه نسل قبل، کاربرد داشته است. او مجموعه‌ای متنوع از اشیاء دارد. در مجموعه او از ابزار کشاورزی گرفته تا زیورآلات پیدا می‌شود. اگر بیشتر از ۵۰ سال داشته باشید، برای شما دیدن این کلکسیون، خاطره‌انگیز (نوستالژیک) است؛ چرا که می‌تواند یادآور اشیایی باشد که چند دهه قبل در زندگی روزمره مردم پیدا می‌شد اما امروز به دلایل مختلف، دیگر نمی‌توان سراغی از آن‌ها در خانه‌های امروزی گرفت. این مجموعه در خانمی واقع در محدوده پنج‌تن مشهد، نمایشگاهی خودمانی و البته خصوصی است که درش اجازه‌باز شدن بی‌روی همگان پیدا نکرده است و تنها توقع صاحبش نیز حمایت در همین بخش، یعنی صدور مجوز برای باز شدن در بی‌روی همه علاقه‌مندان است. این مجموعه هر چند ارزش ریالی زیادی برای تهیه‌اش صرف شده است، بیشتر از آنکه معادل ریالی چشمگیری داشته باشد، نشان‌دهنده و راوی سبک زندگی کهن است؛ سبک زندگی‌ای که امروز دیگر نیست اما بیانگر هویت محلی، شهری، روستایی و ایرانی ماست. با گشت‌وگذاری در این مجموعه و با مدد از نیروی حدس و اتکا به تجربه‌های شخصی، می‌توان اشیایی کهن را شناخت و کاربرد آن‌ها را حدس زد. ساعتی به زمان‌های دور سفر کرد و وسادگی و هنرمندی پیشینیان را بازفهم کرد و به یاد داشت که گذشتگان هم برای خود روز و روزگاری داشته‌اند، حتی بهتر از این روزهای سرشار از فساد.

